

از لابلای یادداشت‌ها و نشستهای روزمره ام

شیوهای تمدنی حل و فصل منازعات و درگیری‌ها قواعد سنتی تداوم برخوردهای مسلحانه ماهیت ضد و نقیض گویی‌های کنونی

موانع موجود در مسیر دستیابی به صلح
تلاش بمنظور حل و فصل مسالمت آمیز
در نظر داشت نورم‌های موجود
چگونگی نبردهای عقیدتی

در سرآغاز کلام یادآور باید شد که همه، بگونه واضح و روشنی از شیوهای آغاز و تداوم مبارزات مسلحانه افغان‌ها چه قبل از اسلام و چه پس از استقرار و فراز آمدن اسلام در کشور ما آگاه بوده و به شدت و خشن بودن برخوردهای مسلحانه در سرزمین اجدادی افغانها واقف می‌باشند، برخوردها و درگیری‌هایی مسلحانه بر مبنای یک قانون مطلق قرار دارد: "یا پیروز می‌شوی و یا کشته خواهی شد." چنین انتخاب و گزینشی را می‌توان متناسب با ماهیت عملی قضایای موجود کشور محسوب نمود.

در سرآغاز کلام یادآور باید شد که دورنمای حل و فصل سیاسی قضایای کشور، بگونه‌گلی غامض، پیچیده و مبهم بنظر می‌رسد. نباید فراموش نمود که یکی از جمله شرایط نیل بحل و فصل سیاسی، موجودیت بُن بست سیاسی محسوب می‌گردد. اما تنها با پیدا شدن بُن بست نظامی در میدان جنگ نمی‌توان به شکل‌گیری حل و فصل سیاسی موفق گردید. اگر شورشی‌ها از مقطع ایدئولوژی یک بقضایا بنگرند و در میدان نبرد، بُن بست نظامی بوجود آمده را بنفع خویش پندارند، بهیچوجه به تشریک در حل و فصل سیاسی و شرکت در قدرت و سهم‌گیری در انتخابات راضی نخواهند شد. با در نظر داشت بحران در امر انتخابات ریاست جمهوری و تأخیر در اعلام نتایج اولیه شمارش آراء، حاکمیت در افغانستان هم بهیچ راه حلی غیر از شرکت شورشی‌ها در انتخابات بمفهوم وسیع کلمه را ضعیف نخواهد شد. همه بگونه واضح و روشنی از شیوه آغاز و تداوم مبارزات مسلحانه افغانها، چه قبل از اسلام و چه پس از فراز آمدن و استقرار اسلام در کشور ما آگاهند. شدت و خشن بودن برخوردهای مسلحانه متذکره راهمه می‌دانند، برخوردهای مسلحانه‌ای که بر مبنای یک قانون مطلق قرار داشت: "یا پیروز می‌شوی و یا کشته خواهی شد." چنین انتخاب و گزینشی را که می‌توان آن را به الزامات تمدنی ضرورت‌های جنگی توصیف نمود، در مغایرت با عقاید مردم پنداشته شد.

با نگاهی به عمق قضایا، این مسأله واضح خواهد شد که در کشورهای چون افغانستان، انتخابات به یک حل سیاسی همه شمول و با ثبات نخواهد انجامید و از جانبی هم شرایطی که بمنظور شکل‌گیری یک فرآیند انتقالی و تشکیل حکومت مؤقت لازم است، تا کنون فراهم نشده. با توجه بهرأس روز افزون از دست دادن دس‌آوردهای دودهمه پسین، در توافق احتمالی با "طالب"ها باید در تلاش‌های صلح، از هر نوع شتاب و ذوق زدگی خودداری بعمل آید. هر نتیجه‌ای که با پیروزی حل و فصل سیاسی بدست می‌آید، باید در امر تداوم و تعمیق پروسه صلح در ابعاد وسیع آن و نهادینه ساختن دموکراسی در کشور، از آن بهره گرفته شود.

در مورد هنجارهای کنونی باید یادآور شد که یکی از شیوه‌های جدید تداوم درگیری های مسلحانه در کشور، جنگ بمنظور دفاع از شعایر موجود در جامعه بدلیل پبچیدگی ها و مغایرت این جنگ ها بمنظور استفاده از زور برای همه افغان ها آنقدرها هم ساده نبود. آیا نورم های جدید، مسایل مربوط به آسیب های متعارض و سؤال های موجود را حل و فصل خواهد نمود؟

قابل تذکر پنداشته می شود که نورم های جدید حل و فصل قضایا، سؤال های مربوط به آسیب های تصادفی وارد شده باهالی وافر اد ملکی کشور را در قبال طرف های درگیر مطرح می نماید. چه، طبق موازین جنگی، مناطق غیرنظامی نباید مورد حملات نظامی قرار گیرند و بهیچوجه با افراد ملکی و بی دفاع نباید زیان وارد شده و مطابق نورم های موجود، افراد و اشخاص مجروح طرف مقابل نباید مورد حمله قرار داده شده و بیشتر از آن نباید آسیب ببینند. این بمثابه فرص تلخی به قوت های نظامی محسوب گردید.

قوانین و مقررات جدید یاد شده در نوع خود، برای افغان ها کوچکترین و اندکترین مسایل را تنظیم می کردند. قابل یادآوری پنداشته می شود که جنگجویان افغان، تحت فشار قوانین جدید اسلامی بمنظور بکارگیری و استفاده از زور چه کارها پی که انجام ندادند. از همان نخستین لحظات بانجام فعالیت هایی کانجام آنها را ضروری و لازمی می پنداشتند، مبادرت ورزیدند. با وجود آنکه تمایل بیشتری بارائه تصویر کلی موجود بود، اما در جزئیات اصل موضوع، غفلت های بیشماری صورت گرفت.

اهالی و باشندهای کشور ما درکل و بویژه مآها که به تبلیغ و ارشاد شعایر دینی و مذهبی مردم می پردازند، اصلن از سواد کافی برخوردار نبوده و با قرآن نیز بخوبی آشنایی ندارند، حتا اگر آنها از سواد لازم نیز برخوردار باشند، بگونه مشخص از شعایر دینی آگاهی ندارند. بدلیل عوامل یاد شده و این واقعیت که احکام دینی و مذهبی نه بزبان معمول و رائج در کشور، بلکه بزبان عربی موجود می باشد که در چنین وضعیتی، درک اصل دین و مذهب، مشکل پنداشته شده و حتا غیر ممکن بنظر می رسد. بنابراین، زمینه گسترده ای برای تفسیر وجود داشت و برخی هم بمنظور نائل گردیدن باهدف قابل قبول و ارزنده ای در زمینه سعی می ورزیدند. در مورد یاد شده، بواسطه برخی از افراد تفسیر های خودسرانه ای نیز بعمل آمد. عده ای هم با انگیز های خوبی باین کار مبادرت ورزیدند. در جریان پروسه یاد شده، سعی و تلاش های فراوانی بمنظور تعبیری که بصورت غیر قابل تصور و اما بگونه محسوسی، هنجار های اسلامی را به عملکردهای قبلی نزدیک و نزدیکتری نمود، در زمینه عمل بکار بسته شد که بنحوی پتانسیلی از انگیز های اختلاط عجیب و غریبی از خصایص متناقض را توصیف می نماید و همچنان نباید فراموش خاطر ما گردد، هنگامی که شجاعت با حيله گری بهم آمیزد، شرارت ببار می آورد. اما این واقعیت قابل تذکر می باشد که وفاداری به بیگانه، تعصب مذهبی و خیانت بایمان، نزد افغان ها شرارت بس نابخشودنی محسوب می گردد.

بخاطر باید داشت که در مراحل نخستین جهاد و مبارزه، با موجودیت جو عدم اعتماد و اطمینان، به حمایت معنوی بیشتری احساس گردیده و مآها با برخوردار بودن و داشتن جایگاه معنوی در جامعه، از امکانات عالی برخوردار شدند تا بیش از پیش به تحکیم موضع و موقف شان در جامعه متوسل گردند.

با این حال، با وجود آنکه همه از اسلام دم می زدند، در اول امر مآها و مبلغان دینی و مذهبی که در جامعه در کنار سایر اقشار وطن بگونه مساویانه به حیات و بود و باش شان ادامه می دادند، بر دیگران فشار وارد نمودند. زمانی که مسأله گزینش رهبر و بزرگ مطرح گردید، افغان ها استعداد و توانایی شان را در استفاده از زور، بیشتر از توانایی در سخنرانی ها می پندارند. اگر در ابتدای امر، ضرورت اهمیت بزرگان قبیله احساس گردیده و عملن مطرح باشد، خان ها و ملک ها در جامعه از اهمیت منحصر بفردی برخوردار بوده اند. همچنان از شبه نظامیان محلی بگونه ای حمایت بعمل آوردند.

زمانی که دهقان افغان و عده ای از باشندهای کشور ما بدلائیل مختلفی مجبور می گردند تا تا با بزرگترین قدرت های مطرح در مخالفت و ضدیت قرار گرفته و به مبارزه و جنگ مبادرت ورزند، متحمل تلفات و قربانی های بیشماری گردیدند. بسیاری از رهبران آنها در همان نخستین مراحل موجودیت قوت های نظامی و جنگی ایالات متحده در اراضی کشور ما بقتل رسیدند که سبب تشجیع بیشتر مردم در سنگر های مبارزه علیه خارجی ها گردید.